

طرح دفاع از حرمت و حیثیت انسانی در مقابل توهین و افترا و نشر اکاذیب

طرح الحاق یک ماده و چهار تبصره به قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی ایران، از سوی کمیسیون فرهنگی به عنوان طرح یک فوریتی در جلسه علنی ۱۹ فروردین ماه ۱۳۸۰ مطرح گردید و یک فوریت آن به تصویب رسید.

ضرورت این طرح به دفاع از حیثیت و شئون افراد برمی گردد و به موجب آن صداوسیما منضبط گشته تا در صورت طرح هر موضوعی، جوابیه آن را هم پخش کند. شمس‌الدین وهابی (عضو کمیسیون اقتصادی) و یکی از طراحان این طرح می گوید: ما می بینیم که در صداوسیما، نسبت به افراد، جمعیت‌ها، گروه‌ها، اشخاص حقیقی و حقوقی، توهین‌ها و نشر اکاذیبی می شود. همچنین رادیو و تلویزیون یک دستگاه صاحب اقتداری است که به اتکای قدرت رسانه‌ای خودش، قدرت تخریب هر فرد، گروه یا جمعیتی را دارد و فوریت طرح برای آن است که ما باید امکان دفاع را پیش بینی کنیم. این از فوری ترین وظایف نمایندگان ملت نسبت به حقوق اولیه ملت است و ما متأسفانه هر روز شاهد هستیم که حتی حق رئیس جمهور، نمایندگان و یا وزیران در آنجا پایمال می شود. اینها که صاحب اقتدار هستند نمی توانند پاسخ بدهند، وای به حال آدم مظلومی که صدای او به هیچ جا نمی رسد.

در جلسه ۲۱ خرداد ماه ۱۳۸۰ که قرار بود طرح مورد بررسی قرار گیرد، تقاضایی مبنی بر مسکوت ماندن به مدت سه ماه رسید. این تقاضا از آنجا ناشی شد که طرح دیگری در مورد نحوه اداره صداوسیما در کمیسیون فرهنگی مورد بررسی قرار داشت و به دلیل سنخیت ماده مورد نظر با طرح فوق، مجلس به مسکوت ماندن این ماده رأی مثبت داد تا یک طرح کلی که مشمول موارد فوق باشد در صحن علنی مطرح گردد. ضمن آن که اخطار قانون اساسی هم بر آن وارد شد. این اخطار که توسط رضا عبداللهی مطرح می شد، مغایرت طرح را با اصل ۷۵ قانون اساسی نشان می داد. اصل ۷۵ می گوید:

"طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد."

مغایرت قانونی طرح این بود که در آن پیش‌بینی شده بود تا حداکثر دو برابر مدت زمان مطلب اصلی و تا حداکثر ۲۴ ساعت پس از دریافت جوابیه در همان زمان، برنامه اولیه را رایگان پخش نماید و این بار مالی داشته، لذا طرح کارشناسی بیشتری را طلب می کرد.

علی اصغر شمر دوست (عضو و مخبر کمیسیون فرهنگی) در توضیح

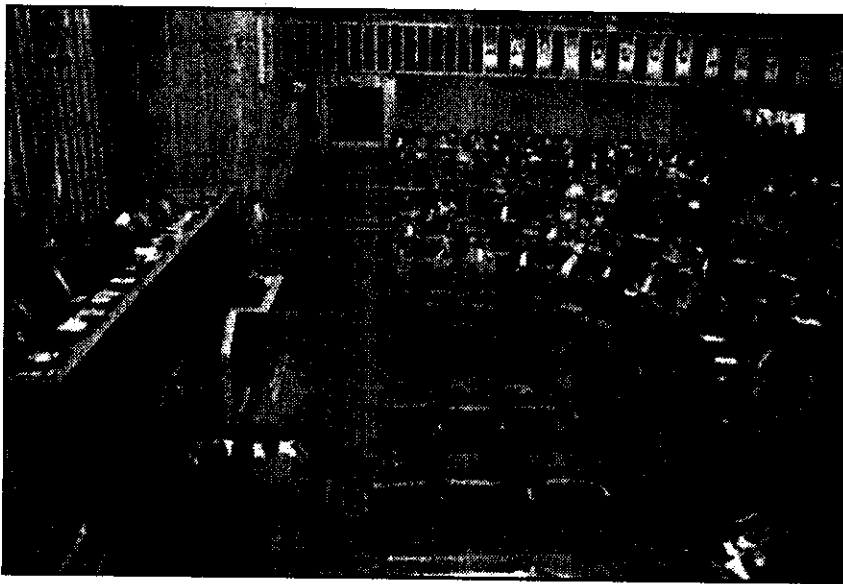
طرح می گوید: "این طرح دارای یک روح کلی است که برای حفظ حرمت اشخاص و صیانت از شرافت انسانی و در مواردی که در صداوسیما توهین یا افترا در مورد آنها اتفاق می افتد و یا مطلب خلاف واقع به آنها نسبت داده می شود باید راه‌هایی تمهید بشود که جلوی این کار گرفته بشود. در حالی که قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات، مجازات‌هایی را به منظور جلوگیری از هتک حرمت و حیثیات مردم پیش‌بینی کرده‌اند، ولی برای صداوسیما - علی‌رغم گستردگی اش - قانونی وجود ندارد."

از آنجایی که قانون نحوه اداره سازمان صداوسیما، اهداف طرح فوق را برآورد نکرد، جلسه علنی روز هفدهم دی ماه ۱۳۸۰ به بحث و بررسی کلیات این طرح اختصاص یافت. موافقان و مخالفان به ترتیب زیر اظهار نظرهایی کردند:

قشقاوی عضو کمیسیون قضایی و حقوقی از سه بُعد سیاسی و حقوقی و اجرایی و مالی با این طرح مخالفت کرد و معتقد بود این طرح در ادامه بحث قانون مطبوعات از مجلس دوره پنجم است، در آن قانون آمده بود که اگر در مقاله‌ای نسبت به شخصی توهین و افترا بود، آن طرف می تواند علیه مدیر مسئول شکایت کند که در آن زمان اقلیت مجلس مخالف این ماده بودند؛ زیرا از دیدگاه آنان این گونه قوانین انسداد سیاسی و مطبوعاتی ایجاد کرده و با آزادی بیان تناقض دارد و فراغ‌بال و آزادی نویسنده مطبوعاتی سلب می گردد. وی در ادامه گفت: حالا نه تنها ما آن را اصلاح نمی کنیم، بلکه با طرح فوق آن را در مجلس ششم نهادینه می کنیم؛ یعنی چون در مطبوعات هست، پس در صداوسیما هم باشد. از بعد حقوقی هم طبق مواد ۶۰۰ و ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی وصف مجرمانه دارد. باید ببینیم چقدر اختلاف بر سر مصداق وجود دارد. مثلاً برخی معتقدند نطق لقمانیان را مصداق توهین نیست و بعضی هم آن را توهین می دانند. چون ما راجع به افترا و توهین، قانون مجازات اسلامی را داریم، حتماً باید یک مرجع قضایی تشخیص بدهد.

دوم این که در بُعد اهانت، صداوسیما که اهانت لفظی نمی کند، ممکن است در نورپردازی باشد یا تکنیکی به کار ببرد که در آن توهین باشد. چه کسی می تواند این را تشخیص بدهد؟ وی سپس از بُعد اجرایی و مالی، به بار مالی این طرح اشاره می کرد.

هادی زاده عضو کمیسیون فرهنگی به عنوان موافق طرح اظهار داشت: چرا اگر کسی در مطبوعات مطالبی ارائه کرد که در آن احتمال افترا یا تحریف در بیان آن بود، آن مطبوعه موظف است پاسخ آن فرد را چاپ کند و یا اگر یک نماینده‌ای در نطق قبل از دستور یا در مباحثی که ارائه می کند، کلامی را نسبت به فردی بیان کند که عاری از حقیقت است، آن شخص حق



دارد به اندازه دو برابر آن مطلب جواب بدهد و حتی به تشخیص هیئت رئیسه از همین تربیون آن را قرائت کند. رسانه ملی که بینندگان و شنوندگان میلیونی دارد و به هر صورت از آن بیانیه و صحبتی پخش می‌شود، اگر نسبت به فردی افترا بی زده شد و یا مطلبی خلاف واقع ارائه شد، این حق اوست که پاسخ بدهد.

در مورد بار مالی طرح هم هادی زاده معتقد است که بار مالی ندارد و تازه اگر چنین باشد مانعی ندارد که برای احقاق حق و برگرداندن آبروی رفته کسی، هزینه مالی آن هم پرداخت بشود.

عبداللهی در مقام مخالف طرح اظهار داشت که «هر روزه بر حجم قوانین اضافه می‌شود، افزایش قوانین، هزینه‌ها را بالا می‌برد و بوروکراسی و دستگاه اداری را بزرگ‌تر می‌کند و این برخلاف

مسیری است که کشورهای پیشرفته دنیا اتخاذ می‌کنند. دوم این که این طرح مخالف اصل ۱۷۵ قانون اساسی یعنی اصل آزادی بیان می‌باشد. بار مالی طرح پیش بینی نشده است و مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است. عبداللهی ضمن آن که این طرح را شدنی و قابل اجرا نمی‌دانست، اعتراض خود را نسبت به بوروکراسی چنین گفت: «اگر واقعاً ما با صداوسیما مشکل داریم برویم آن را چاره بکنیم، یک جا می‌آیم بودجه صداوسیما را کم می‌کنیم، یک جا برای مسابقات ورزشی، قانون می‌گذاریم که صداوسیما بابت پخش مسابقات به فدراسیون‌ها پول بدهد، خوب بیاییم یک - دو میلیارد تومان در قانون را مستقیماً در اختیار فدراسیون‌ها بگذاریم چرا دور می‌زنیم، چرا بوروکراسی را بیشتر می‌کنیم!»

عبداللهی طرح را مغایر اصل ۳۴ قانون اساسی دانست، زیرا به موجب آن شکایت حق مسلم هر فرد است که می‌تواند به محاکم مراجعه بکند، یعنی نیازی نیست که ما این حق را ایجاد کنیم، چون در حال حاضر این حق وجود دارد و به نظر او فقط کار سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

سازگار نژاد (عضو کمیسیون فرهنگی) طرح را متضمن دفاع از حقوق مردم و متضمن سوگندی می‌دانست که نمایندگان مردم در قانون اساسی یاد کرده‌اند و آن را در جهت افزایش اعتبار و استحکام و وجاهت سازمان صداوسیما به عنوان یک رسانه ملی قلمداد می‌کرد وی با اظهار تأسف از این که برخی همکاران در مجلس از هر حرکت اصلاحی تلقی نوعی حرکت سیاسی می‌کنند گفت اگر قرار باشد که نگاه صرفاً سیاسی تلقی بشود باید فاتحه مجلس را خواند، نباید نگاه منفی داشت و با سوءظن به طرح‌ها نگریست. این طور نیست که جریانی یا حزبی یا گروهی رفته باشند و علیه صداوسیما طراحی کنند.

ضرغامی (معاون امور مجلس صداوسیما) نیز در بحث خود این طرح را غیر قابل اجرا عنوان کرد؛ چرا که این قانون به صورتی تنظیم شده که از هر کلمه آن می‌شود برداشت خاصی کرد و بعدها برخی افراد خودشان را محق می‌دانند و شکایت می‌کنند و بایستی نظرشان اعمال شود. بر اساس

بحث‌هایی که در کمیسیون انجام گرفت، پیشنهاد شد که این بحث در خصوص بخش‌های خبری اعمال شود و در بخش تولید نباشد. نظر ضرغامی در رابطه با مرجع رسیدگی کننده به شکایت این بود که شورای نظارتی که حداکثر در هفته چند ساعت دور هم جمع می‌شوند، آیا باید تبدیل به یک دیوان سالاری وسیعی بشود که روزانه ده‌ها و بلکه صدها شکایت را رسیدگی کند؟ آیا شورای نظارت فرصت کافی را دارد و به لحاظ قانون اساسی نیز چنین کاری امکان پذیر است؟ وظیفه شورای نظارت، فقط نظارت بر حسن اجرای قانون است و این شورا در مقام قضاوت نیست.

اما شعر دوست (مخبر کمیسیون فرهنگی) در توضیح خود تصریح کرد که اصلاً شائبه سیاسی در کار نبوده است. انگیزه طرح فقط برای این بود که اگر مردم احساس ظلم کردند، دادخواهی در مجاری صحیح داشته باشند و مرجع تشخیص آن را هم شورای نظارت قرار دادیم، زیرا نمی‌خواستیم تشکیلات دیگری به وجود بیاوریم که بار مالی ایجاد کند. ضمن آن که این شورا مکانیزم‌هایی دارد و از کارشناسانی استفاده می‌کند و نمایندگانی از سوی قوای سه گانه کشور در آن حضور دارند و با مکانیزم‌هایی که دارد، برای بررسی مصادیق آنچه که در این قانون آمده، کفایت می‌کند.

شعر دوست در ادامه گفت: نص این قانون حالت بازدارندگی خواهد داشت و نباید بحث آزادی بیان توجیهی برای اهانت به اشخاص گردد. در این قانون اگر پاسخ بعد از تأیید شورای نظارت پخش نشد، آن وقت شاکی می‌تواند به دادگاه مراجعه کند، اما در قانون مطبوعات، همزمان باید پاسخ درج گردد و شخص می‌تواند شکایت کند.

پس از بحث‌های موافق و مخالفی که در مورد کلیات و ضرورت طرح صورت گرفت، کلیات آن تصویب شد. ولی در روز بعد تقاضای سلب یک فوریت آن به منظور کار کارشناسی بیشتر از سوی شیرزاد مطرح گردید تا به شکل عادی به کمیسیون برگردد و از نظرات کارشناسان در جهت اجرایی کردن طرح نیز استفاده بشود. شیرزاد از سازمان صداوسیما خواست به جای آن که دنبال لغو اساس این طرح باشند، با همکاری خود مشکل اجرایی طرح را برطرف کنند.

سرانجام گزارش شور دوم این طرح پس از بررسی و اصلاحات انجام شده، در کمیسیون فرهنگی، در تاریخ نهم مردادماه ۱۳۸۱ تقدیم مجلس گردید.

طرح اولیه این بود که چنانچه در برنامه‌های پخش شده سازمان - اعم از خبری، گزارشی و تولیدی - در قالب‌های مختلف بیانی، تصویری و نمایشی از شبکه‌های محلی، سراسری و بین‌المللی یا در اطلاعیه‌های صادره از سوی آن سازمان مطالبی مشتمل بر توهین، افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص حقیقی یا حقوقی و یا به هر نحوی اظهارات اشخاص تحریف گردد، به درخواست ذینفع، سازمان مکلف است توضیحات و پاسخ ذینفع را مشروط بر آن که متضمن توهین و افترا به کسی نباشد تا حداکثر دو برابر مدت زمان مطلب اصلی و حداکثر تا ۲۴ ساعت پس از دریافت جوابیه به‌طور رایگان پخش نماید.

براساس بررسی‌های کارشناسانه‌ای که در کمیسیون انجام گرفت، چند محور نیز به آن افزوده شد:

۱- مرجعی برای تعیین و وقوع توهین یا تحریف یا خلاف واقع باید تعیین می‌شد که بنابر بررسی‌هایی که در کمیسیون انجام شد، آن مرجع، شورای نظارت بر صداوسیما تعیین گردید.

۲- جوابیه در همان برنامه و همان شبکه و در صورت عدم امکان در برنامه هفتگی ویژه‌ای که سازمان صداوسیما به همین منظور پیش‌بینی خواهد کرد، پخش گردد و در تبصره دو طرح عنوان شده که اگر سازمان علاوه بر پخش پاسخ مذکور مطالب یا توضیحات مجددی که متضمن توهین، افترا یا تحریف باشد را پخش نماید ذینفع حق پاسخگویی مجدد دارد. پخش قسمتی از پاسخ و یا افزودن مطالبی به آن در حکم عدم پخش است و تبصره سه طرح در مورد مسئولانی که مانع از پخش پاسخ گردند صراحت دارد، به‌گونه‌ای که با اعلام شورای نظارت یا شکایت شاکی، به دادگاه صالحه معرفی می‌گردند و با تشخیص این مرجع و احراز تخلف به انفصال از خدمات دولتی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد. البته در بررسی کمیسیون در شور دوم "انفصال از خدمات دولتی" حذف شده است، چرا که میزان جرم را دادگاه تعیین خواهد کرد.

در مورد ساختار، تشکیلات و اعتبارات و امکانات شورای نظارت نیز، طبعاً دولت موظف است که امکانات لازم را در اختیار شورای نظارت برای ایفای این وظیفه قانونی قرار بدهد. این بار نیز اخطار قانون اساسی براساس اصل ۷۵ از سوی عبداللهی (رئیس کمیسیون اقتصادی) مطرح شد، زیرا در طرح منابعی برای تأمین بار مالی آن، مشخص نشده بود.

مزروعی (عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات) در مخالفت با نظر عبداللهی به حقوق شهروندی تأکید ورزید، به این معنا که هیچ کس حق ندارد - تحت هر عنوانی - به حقوق و حرمت اشخاص توهین کند یا ابروی اشخاص را ببرد و در واقع به مسائلی دامن بزند که حقوق افرادی که بیرون از حکومت هستند و قدرت دفاعی ندارند، ضایع بشود. وی گفت: "چون صداوسیما وابسته به حکومت است و صداوسیما خصوصی هم نداریم، طبعاً اگر به مردم توهین یا تحقیر بشود یا حقوقشان ضایع بشود، هیچ‌گونه قدرت دفاعی ندارند، اما در مطبوعات چنین نیست. چگونه است

که وقتی در مطبوعات کوچک‌ترین حرفی یا سخنی راجع به صداوسیما زده می‌شود، بلافاصله صداوسیما به قوه قضاییه شکایت می‌کند و یکی از شاکیان همیشگی مطبوعات صداوسیما بوده. مردم در مقابل توهین‌هایی که صداوسیما به آنها می‌کند به کجا پناه ببرند و چگونه صداوسیمایی که با بودجه عمومی اداره می‌شود، این حق را به خودش می‌دهد که در هر موضوعی وارد بشود و به حقوق اشخاص تجاوز بکند؟"

مزروعی برای اثبات سخن خود به برنامه هیت اشاره کرد که وقتی صداوسیما به چهره‌های فرهنگی این کشور توهین کرد، آیا از حقوق آنها دفاع شد؟ آیا به صداوسیما تذکر داده شد که این هیت‌سازی جز خدشه‌دار کردن چهره فرهنگیان کشور خاصیت دیگری ندارد؟ مزروعی خواستار این بود که رفتارهای صداوسیما قانونمند شود. وی با این تذکر که صداوسیما رسانه‌ای است که یک‌سویه و جانبدارانه و دلخواهانه و سلیقه‌ای عمل می‌کند، گفت: "این چه منطقی است که ما اجازه بدهیم رسانه‌ای به یک دژ امن تبدیل بشود و بعد هم این را به شورای نگهبان ارجاع بدهیم تا هر کاری خواست در این کشور بکند." وی در ادامه گفت: مگر این همه رسانه که در کشورهای دیگر هست و با احترام به حقوق اشخاص کار می‌کنند، تعطیل شده‌اند؟ حرف ما این است که رسانه‌یما به صورت اخلاقی - قانونی عمل کند و این به مفهوم تعطیلی صداوسیما نیست، اجازه ندهیم که رسانه‌ای بتواند یک‌تاز میدان باشد و به هر گروه و شخص خاص توهین کند.

شاهی عربلو (عضو کمیسیون اقتصادی) از بُعد دیگری با حذف این ماده موافق بود. او با محتوای ماده مخالف نبود، بلکه به این مسئله اشاره می‌کرد که گاهی برنامه‌های طنز و کاریکاتور یا مطالب تلخ مطرح می‌شود که توهین نیست، اما از دیدگاه جناحی یا با دید بدبینانه می‌توان آنها را توهین آمیز تلقی کرد و در صورت تصویب این قانون، سیل شکایت‌هاست که سرازیر بشود و شورای نظارت باید بررسی کند که آیا توهین هست یا نه و در صورت پخش جوابیه‌ها کل برنامه‌های صداوسیما به هم می‌خورد. وی با این سؤال که آیا مسئولان ما این قدر پاسخگو شده‌اند که فقط صداوسیما مانده، به معضلاتی اشاره کرد که در ادارات و دولت وجود دارد، وقت مردم هدر می‌رود و به آنها اهانت می‌شود، آیا اینها پاسخگو هستند؟ عربلو مشکلات جوانان، کشاورزان و مشکلاتی که در وزارت خانه‌ها وجود دارد، فساداداری و دیگر مشکلاتی را که نباید روی آنها سرپوش بگذاریم مطرح نمود. وی ضمن اعتراض به بعضی از برنامه‌های صداوسیما ادامه داد اول ارگان‌های دیگری که چنین مسائلی دارند پاسخگو کنید، بعد سراغ صداوسیما بروید.

مخبر کمیسیون در دفاع از طرح، بار مالی را رد کرد و گفت چون این طرح برنامه‌هایی را که برای صداوسیما درآمد ایجاد می‌کند، کم نمی‌کند، متضمن بار مالی نیست، بلکه به نحوی صرفه جویی هم هست. در مورد مرجع تشخیص دهنده هم، چون مرجعی است که متشکل از نمایندگان سه قوه است، درحقیقت برای این است که شکایات واقعی‌تر و اصولی‌تری مطرح شوند و بعد از احراز توسط مرجع مذکور، بتوانند حفاظ اجرایی پیدا کنند.

ضرغامی (معاون امور مجلس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و به عنوان نماینده دولت) اظهار داشت: "دفاع از طرح، مطابق با فضای کارشناسی صداوسیما نمی باشد" و آن را غیر قابل اجرا دانست، زیرا به طور نمونه، هر آدم عادی که شما با او در خیابان مصاحبه کنید، بعد تلخیص آن را پخش می کنید، می تواند ادعا کند که به او اهانت شده و شاکی بشود. اشکال دیگر این است که شورای نظارت یک کار قضایی می کند که این کار مغایر با قانون اساسی است. تازه به این ترتیب روزی هزار تا شکایت می رسد. ضرغامی اعترافات سیامک پورزند را مثالی برای این مشکلات مطرح کرد

وی مثال دیگری در مورد وزارت خانه ها زد به طوری که بارها شده که هر وزارت خانه ای از موضع خودش خواسته است که خبری خوانده شود و وزارت خانه دیگر برخورد کرده، به هر حال صداوسیما باید چه کار کند، خبررسانی بکند یا نکند؟

در اینجا مزروعی نسبت به سخنان ضرغامی معترض شد و گفت: "مثال پورزند برای بحث خیلی مناسب است، زیرا اساساً کسی را که روزنامه نگار نبوده در تلویزیون می آورید و سمبل روزنامه نگاران کشور قرار می دهید و به همه روزنامه نگاران کشور توهین می کنید!"

حذف این ماده و چهار تبصره رای نیامد و متن ماده مذکور با چهار تبصره مربوط به آن تصویب شد و به شورای نگهبان ارسال گردید. ولی شورا آن را مغایر با شرع تشخیص داد. بنابراین در اصلاحیه کمیسیون، توهین و افترا یا خلاف واقع نسبت به هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی که "حرمت قانونی دارد" ملاک قرار گرفت. پورنجانی رئیس کمیسیون فرهنگی در توضیح این جمله می گوید: "در مصوبه کمیسیون اطلاق داشت که اگر نسبت به کسی در صداوسیما نسبت ناروایی داده شده، مطلقاً باید جواب آن پخش شود. ایراد درستی که در شورای نگهبان گرفتند این بود که کسانی که حرمت شرعی و قانونی ندارند، باید مستثنا بشوند. بنابراین کمیسیون این قید را زده که پاسخ کسانی پخش بشود که قانوناً حرمت داشته باشند. مثلاً اگر کسی مشهور به فسق است، عملاً برای رفع نسبتی که به او داده شده حرمت ندارد. وی در برابر این سؤال خاتمی (نایب رئیس) که "آیا افترا نسبت به فاسق مجاز است"، ادامه داد که "فعلاً وارد مصداق نمی شویم، بلکه این اصل کلی را باید بپذیریم که باید اساساً شخص حرمت داشته باشد تا سلب حرمت او جبران شود. این اصلاحیه کمیسیون رای نیامد."

مزروعی در اظهار نظر نسبت به ماده فوق می گوید: "اطلاق منع توهین نسبت به اشخاصی که حرمت شرعی ندارند، از نظر شورای نگهبان خلاف موازین شرع است. بنابراین کمیسیون برای رفع این اشکال و در اصلاحی که انجام داده، حرمت شرعی را به حرمت قانونی تبدیل کرده است. به این منظور که نمی توان در مورد کسانی که حرمت قانونی دارند توهین و یا افترا یا خلاف واقعی نسبت داد."

مزروعی دو نکته را در این رابطه متذکر شد: "اول این که این قانون برای شهروندان ایرانی است که همه آنها حداقل به لحاظ حقوق انسانی باید حرمت داشته باشند. مثلاً اگر فردی دزدی کرد، نمی توانیم بگوییم که چون حرمت ندارد، پس می توان مسائل دیگری را هم به او نسبت داد. دوم آن که

حرمت شرعی باید روشن و شفاف و در قوانین گفته شده باشد و نمی توان آن را به عهده سلیقه ها یا افراد گذاشت." از دیدگاه مزروعی، در جمهوری اسلامی حرمت شرعی با حرمت قانونی برابر است. اگر هم مواردی است که در حرمت شرعی باید بیاید، حتماً باید به قانون تبدیل شود تا مبنای رابطه حکومت با شهروندان باشد. تذکر مزروعی در قالب یک مصوبه به رای گذاشته شد و تصویب شد.

ایراد دیگر شورای نگهبان نسبت به مرجع تعیین افترا بود که در اصلاحیه کمیسیون به محاکم محول شده، بنابراین حذف تبصره چهار مطرح شده و رای آورد.

تبصره دیگری که به این ماده افزوده شد، پیشنهاد پورنجانی بود. این که هزینه های احتمالی مترتب بر اجرای این قانون، از محل صرفه جویی در تولید و پخش برنامه های منظور شده در همان زمان پخش جوابیه، تأمین گردد. وی که سابق بر این در حوزه معاونت سیما فعالیت داشته است، ارائه پاسخ از سوی شهروندان را متضمن بار مالی نمی دانست، زیرا در بودجه سالانه صداوسیما برای کل برنامه ها بودجه در نظر گرفته می شود. گرچه این تبصره به تصویب نمایندگان رسید، اما پیشنهاد کمیسیون مبنی بر این بود که بار مالی آن از محل بودجه صداوسیما تأمین گردد. این پیشنهاد به دلیل این ایراد شورای نگهبان که محل تأمین هزینه های این ماده در ابتدا مشخص نشده، آورده شد و با پیشنهاد حذف از سوی مزروعی و سپس مخالفت و اخطار عبداللهی روبه رو شد، اما به تصویب نمایندگان هم نرسید و پیشنهاد پورنجانی آرا را به خود اختصاص داد.

مخالفت عبداللهی از این بعد قابل توجه است که بنابر سخنان وی، اگر بار مالی هر دستگاه را به بودجه آن ارجاع بدهیم، این یک رویه می شود برای همه طرح ها و لوایح، ضمن آن که بودجه سالیانه صداوسیما به هیچ وجه تأمین کننده بار مالی آن نیست و این راه تأمین هزینه ها نیست که به بودجه همان دستگاه ارجاع داده شود. ماده مذکور و پنج تبصره آن، مجدداً به شورای نگهبان ارسال گردید، ولی موارد اصلاح شده به تأیید شورای نگهبان نرسید و به کمیسیون بازپس فرستاده شد. در این بازگشت ذکر شده بود که ایرادهای پیشین به جای خود باقی است. این بار، اصلاح دیگری در کمیسیون میسر نشد و کمیسیون بر نظر قبلی خود ماند و پیشنهاد ارسال طرح را به مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح نمود که با اکثریت آرا به تصویب رسید. هر چند که قربانی (عضو کمیسیون قضایی) مخالف ارجاع طرح به مجمع بود و معتقد بود که ایرادات شورای نگهبان در کمیسیون قابل رفع است.

از فروردین ماه ۱۳۸۰ تا به حال، دو سال و اندی می گذرد و این طرح همچون مصوبات دیگر که به مجمع تشخیص مصلحت ارسال شده، از بهمن ماه ۱۳۸۱ به گنجینه مجمع به امانت سپرده شده است تا زمانی در دستور کار قرار گیرد.

